

تاریخ و تمدن اسلامی، سال دهم، شماره بیستم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۳۹-۱۶۱

نقشبندیّه در بوسنی و هرزگوین^۱

شهریار سلیمانی

دانشجوی دکتری رشته تصوف و عرفان اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، تهران، ایران

محمدجواد شمس^۲

استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)، قزوین، ایران

چکیده

سلسله نقشبندیّه منسوب به خواجه بهاء الدین محمد نقشبند بخارایی (۷۱۷-۷۹۱هـ) طریقتی معتدلانه و شریعت محور است. این طریقت در قرن نهم هجری/ پانزدهم میلادی توسط عثمانی‌ها به بوسنی راه یافت. عینی دده و شمسی دده، از مشایخ پرآوازه این سلسله، در حقیقت اولین نمایندگان طریقت نقشبندیّه در بوسنی بودند. رفتارهای شایسته پیروان این طریقت که بیشتر از روشن‌فکران جامعه بودند، موجب گسترش این سلسله در سطوح مختلف جامعه شد و این طریقت را در شمار پرنفوذترین طریقت‌های صوفیه در بوسنی در آورد تا آن‌جا که به «طریقت بومی مردم بوسنی» شهرت یافت. طی قرن‌های دوازدهم و سیزدهم هجری/ هجدهم و نوزدهم میلادی، شبکه‌ای از تکیه‌های نقشبندیّه در شهرهای مختلف بوسنی تأسیس شد که بر تمام بوسنی و هرزگوین نفوذ داشت. این طریقه در قرن بیستم میلادی، یعنی در دورانی که حکومت کمونیستی در پی نابودی تصوف و اسلام در منطقه بود، نقش بسیار مهمی در رویارویی با آنان ایفا کرد؛ چندان که می‌توان ادعا کرد شکست کمونیست‌ها در این نواحی، حاصل حضور و فعالیت بزرگان طریقت نقشبندیّه بوده است.

کلیدواژه‌ها: نقشبندیّه، بوسنی و هرزگوین، تکیه‌های ووکلیچی/ژیوچیچی و آگلاواک، عیسی دده، شمسی دده.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۳. در این باره اثری نیز با مشخصات ذیل در دست است: "Some note on the Naqshbandi Tariqat in Bosnia", by Hamid Algar, in *Studies in Comparative Religion*, Vol.9, No.2, Spring 1975.

۲. نویسنده مسئول، رایانامه: shamsmohammadjavad@yahoo.com

مقدمه

نقشبندیه طریقتی است منسوب به خواجه بهاء الدین محمد نقشبند بخارایی (۷۱۷-۷۹۱هـ). طریقه بهاء الدین در حقیقت دنباله طریقه خواجهگان است که خواجه یوسف همدانی (۴۴۰-۵۳۵هـ) و خواجه عبد الخالق غجدوانی (متوفی ۵۷۵هـ) بنیان نهاده بودند. خواجه بهاء الدین که خود از جانشینان خواجه غجدوانی تعلیم یافته بود، محیی و مصلح طریقت خواجهگان شد؛ لذا این طریقت آمیخته‌ای شد از تعالیم عبد الخالق غجدوانی و بهاء الدین بخارایی.^۳

نقشبندیه عجب قافله سالاراند که برند از ره پنهان به حرم قافله را

سلسله نقشبندیه یکی از مهم‌ترین و مشهورترین سلسله‌های عرفان اسلامی و دارای شیوه و روش معتدلانه و شریعت‌محور است. پیروی از سنت و حفظ آداب شریعت و دوری از بدعت اساس این سلسله است. انزوا، ذکر جلی و سماع در این سلسله مورد توجه نیست؛ بلکه اِتباع سنت و حفظ شریعت و توجه به حق و نفی خواطر از مهم‌ترین تعالیم نقشبندیه است. عارفان و نویسندگان پیرو این طریقت، سلسله نقشبندیه را همان طریقه اصحاب رسول‌الله (ص) می‌دانند، با رعایت این اصل که نه چیزی بدان می‌افزایند و نه چیزی از آن کم می‌کنند.^۴ به گفته جامی: «طریقه ایشان اعتقاد اهل سنت و جماعت است و اطاعت احکام شریعت و اِتباع سنن سید المرسلین و دوام عبودیت که عبارت است از دوام آگاهی به حق - سبحانه - بی مزاحمت شعور به وجود غیری».^۵

طریقت نقشبندیه، چله نشینی و خلوت‌گزینی را با اصول «خلوت در انجمن و سفر در وطن» طرد کرد. عارف نقشبندی باید به ظاهر با خَلق باشد و به باطن با حق؛ با مردم درآمیزد و از بیکارگی و یابوگی بپرهیزد. به گفته خواجه عبد الخالق غجدانی: «در خلوت را دربند و در خدمت را بگشای».^۶ خواجه بهاء الدین نیز گفته است: «طریقه ما صحبت است و در خلوت شهرت است و در شهرت آفت. خیریت در جمعیت است و جمعیت در صحبت به شرط نفی

۳. طاهری عراقی، مقدمه قدسیه خواجه محمد پارسا، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۵۴، ۹.

۴. واعظ کاشفی، رشحات عین الحیات، ۱/ ۴۲؛ بخاری، صلاح بن مبارک، انیس الطالبین و عدة السالکین، ۶۶.

۵. جامی، نفحات الانس، ۴۱۳.

۶. واعظ کاشفی، همان، ۲/ ۴۵۱.

بودن در یکدیگر». بنای این طریقت خلوت درانجمن، یعنی به ظاهر با خلق، و به باطن با حق بودن.^۷

میان‌روی و اعتدال نقشبندیّه و التزام عارفان این سلسله به شریعت سبب شد که بسیاری از عالمان دینی به این طریقه درآیند و این سلسله را جامع میان طریقت و شریعت ببابند، تا آن‌جا که ابن حجر هیتمی (متوفی ۹۷۴هـ) درباره این سلسله گفته است: «الطریقه العلیّه السالمه من کدورات جهله الصوفیه هی الطریقه النقشبندیّه».^۸ به هر حال این ویژگی و هم‌چنین سادگی و آسانی و اعتدال این سلسله از علل رواج آن بود؛ تا آن‌جا که این طریقه از ایالت هانسو در چین تا قازان و قفقاز و قسطنطنیه، و از هندوستان تا مصر و شام، و از بلخ و بخارا تا بصره و بغداد، و از توران تا ایران، در همه بلاد اسلامی، انتشار و گسترش یافت و به یکی از بزرگ‌ترین و پرنفوذترین سلاسل عرفانی تبدیل شد.^۹

بزرگان نقشبندیّه در آغاز از ثروت اندوزی و هم‌چنین مرآوده با صاحبان قدرت پرهیز می‌کردند. از جمله خواجه بهاء‌الدین از پذیرفتن هدایا و نذورات ملک معزالدین حسین، که از ارادتمندان او نیز بود، امتناع می‌کرد؛^{۱۰} اما در دوره‌های بعد- از سده نهم هجری به بعد- برخی از بزرگان نقشبندیّه از ثروت‌های بسیاری برخوردار شدند و با دربار تیموری نیز ارتباط یافتند.^{۱۱}

الف) نگاهی اجمالی به طریقت نقشبندیّه

در وجه تسمیه این سلسله نظریات متعددی مطرح شده است؛ از جمله گفته‌اند که نقشبند، نام دهی در یک فرسخی بخارا ست، و چون خواجه بهاء‌الدین محمد متعلق به آن ده بوده، لذا این طریقت به نقشبندیّه معروف شده است؛ اما این نظریه، با توجه به این‌که مولد و مدفن خواجه

۷. جامی، همان، ۳۸۶-۳۸۷؛ بخاری، صلاح بن مبارک، همان، ۶۶، ۹۴؛ نیز نک: طاهری عراقی، همان، ۱۱.

۸. نک: صاری اوغلی، مقدمه *انیس الطالبین*، ۹.

۹. جامی، همان، ۴۱۶؛ داراشکوه، *سینه الاولیاء*، ۷۸؛ بخاری، صلاح بن مبارک، *انیس الطالبین و عده السالکین*، ۱۱۸-۱۲۱، ۲۳۲؛ صاری اوغلی، همانجا؛ طاهری عراقی، همان، ۱۴-۲۰؛ ثبوت، «بهاء‌الدین نقشبند»، ۴/۴۲۳؛ شمس، *یعقوب چرخ*، ۲۳ به بعد.

۱۰. بخاری، صلاح بن مبارک، همان، ۱۱۸-۱۲۱.

۱۱. طاهری عراقی، همان، ۱۴-۲۰؛ زرین کوب، *دنباله جستجو در تصوف ایران*، ۲۱۳؛ ثبوت، همانجا. جهت اطلاع بیشتر نک: گراس، «موقوفات خواجه عبیدالله احرار...»، ۸۹-۱۱۹.

بهاء الدین قریه قصر عارفان در یک فرسخی بخارا ست و اساساً - به گفته صاری اوغلی - دهی به نام نقشبند در اطراف بخارا وجود ندارد، صحیح نمی‌نماید.^{۱۲} عده‌ای دیگر بر این باوراند که کلمه نقشبند، صفت فاعلی مرکب مرخم، یعنی نقشبندنده و به معنی کسی است که نقش می‌بندد، یعنی نقاش، مصور، صورتگر و...؛ و منظور، بستن نقش و صورت کمال حقیقی بر قلب مرید است. عده‌ای دیگر می‌گویند خواجه بهاء‌الدین از کثرت ذکر به مرتبه‌ای رسید که ذکر تهلیل بر قلب او نقش بسته بود، لذا به نقشبند مشهور شد؛^{۱۳} هم‌چنین گفته‌اند چون شغل پدر، یعنی نقشبندی و کمخابافی، را پیش گرفت، به نقشبند شهرت یافت.^{۱۴}

این طریقت پیش از خواجه بهاء‌الدین محمد نقشبند (۷۱۸-۷۹۱ هـ)، سلسله خواجه‌گان نامیده می‌شد، ولی به دلیل عظمت شخصیت وی، به نام او موسوم و بدو منسوب شد؛ در حقیقت خواجه را مجدد این سلسله می‌دانند. سلسله خرقه خواجه بهاء‌الدین، که به سنت آسیای میانه تعلق داشت، به خواجه یوسف همدانی (متوفی ۵۳۵ هـ) می‌پیوندد؛ و پیوند معنوی خواجه یوسف به شیخ ابوالحسن خرقانی (متوفی ۴۲۶ هـ) و بایزید بسطامی (متوفی ۲۳۰ یا ۲۶۱ هـ) و از آن طریق به امام جعفر صادق (ع) (متوفی ۱۴۸ هـ) می‌رسد. افزون بر این، اینان سلسله خرقه خود را از طریق امام جعفر صادق (ع) هم به امیرالمؤمنین علی (ع) و هم به ابوبکر می‌رسانند؛ و از طریق معروف کرخی (متوفی ۲۰۰ هـ) نیز سلسله خود را به امام رضا (ع) متصل می‌سازند.^{۱۵}

گفته‌اند که مشایخ این سلسله مثل خواجه عبد الخالق غجدوانی و بهاء‌الدین نقشبند آن‌چه را عوام صوفیه بدان دلخوش و سرگرم بودند، از قبیل خانقاه نشینی، سماع و ذکر جهری، مذموم می‌شمردند و بدان معترض بودند؛ لذا از خواجه عبدالخالق غجدوانی نقل شده است که می‌گفت: «در شیخی را در بند و در یاری گشای». هم‌چنین نقل است که بهاء‌الدین نیز «سلسله»ها و «کرسی‌نامه»هایی را که صوفیان -درست یا نادرست- آن را وسیله فخر و تفاخر خود ساخته بودند، بی‌ارج می‌شمرد. می‌گفت: در راه تهذیب و کمال آدمی از سلسله کاری

۱۲. صاری اوغلی، همان، ۱۱-۱۳.

۱۳. جامی، *نفحات الانس*، ۵۰۰؛ همانجا؛ نیز نک: طاهری عراقی، همان، ۴۷.

۱۴. داراشکوه، همانجا؛ طاهری عراقی، همانجا، ۴۳.

۱۵. چرخ، *رساله انسیه*، ۱۵-۱۶؛ طاهری عراقی، همان، ۲۶.

برنیاید، از خود باید طلبید و در خود باید جست. وقتی یکی از وی پرسید «سلسله شما به کجا می‌رسد؟ تبسم کردند و گفتند: از سلسله کسی به جایی نرسد.^{۱۶} مهم‌ترین تعالیم سلسله نقشبندیّه این‌هاست:

۱. **تأکید بر شریعت و سنت.** خواجه بهاء‌الدین همواره بر متابعت رسول اکرم(ص) تأکید می‌کرد و معتقد بود که درهمه احوال باید قدم بر جاده شریعت و استقامت امر و نهی نهاد و عمل به عزیمت و سنت می‌باید کرد و در همه احوال و افعال و اقوال، احادیث مصطفی(ص) را می‌باید پیشوای خود داشت.^{۱۷}

۲. **ذکر خفی.** به گفته صاری اوغلی ذکر در میان نقشبندیان با جامه‌های پاک در مکان پاک و دور از چشم اغیار- به ویژه در شب انجام می‌شود. عرقچین سفید بر سر می‌نهند و رو به قبله می‌نشینند. مرگ و غسل میت و تدفین و نزول فرشتگان (نکیر و منکر) و بر پا شدن قیامت و حالات محشر و آخرت را در پیش چشم دارند. چشم را بسته با خداوند ارتباط برقرار می‌سازند. امور دنیوی را از دل بیرون می‌کنند و چهره مرشد را در میان دو ابرو فرض می‌کنند. در این حالت بیست مرتبه استغفار و فاتحه‌الکتاب (سوره حمد) و سه بار سوره اخلاص را می‌خوانند و سپس در نهایت با حضور قلب، با ذکر «الهی انت مقصودی و رضاک مطلوبی» رضای خداوند را خواستار می‌شوند و نام او را به تعداد معین ذکر می‌کنند. علاوه بر آن، به صورت جمعی ۲۵ بار استغفار، هفت بار فاتحه‌الکتاب، ۷۹ بار الم نشرح (سوره انشراح) و ۱۰۰۱ مرتبه سوره اخلاص و برای بار دوم هفت مرتبه سوره فاتحه‌الکتاب و صد صلوات می‌خوانند که به آن «ختم خواجگان» می‌گویند.^{۱۸}

۳. **اصول یازده‌گانه:** عبد الخالق غجدوانی مبنای طریقت خود را بر هشت تعلیم نهاد، که عبارت است از: هوش در دم، نظر بر قدم، خلوت در انجمن، سفر در وطن، بازگشت، نگاه داشت و یادداشت [و نیز یادکرد]. و بهاء‌الدین سه تعلیم دیگر: وقوف قلبی، وقوف عددی، وقوف زمانی، بدان‌ها افزود و بنای طریقت نقشبندیّه بر این یازده اصل نهاده شد.^{۱۹} این اصول یازده‌گانه عبارتند از:

۱۶. طاهری عراقی، همانجا.

۱۷. بخاری، صلاح بن مبارک، همان، ۳۰-۳۱، ۹۴؛ جامی، همان، ۳۸۷.

۱۸. صاری اوغلی، همان، ۳۲.

۱۹. طاهری عراقی، همان، ۳۴.

اول. هوش دردم، یعنی هر نفسی که از درون برآید باید که از سر حضور و آگاهی باشد و غفلت به آن راه نیابد؛

دوم. نظر بر قدم، یعنی سالک در رفت و آمد در شهر و بیابان و سایر جای‌ها باید نگاه و نظرش بر روی پایش باشد تا نظر او پراکنده نشود و به جایی که نشاید، نیفتد؛

سوم. سفر در وطن، یعنی سفر از صفات بشری به صفات ملکی و از صفات ذمیمه به صفات حمیده؛

چهارم. خلوت در انجمن، دلالت دارد بر ظاهراً در میان خلق و با مردم، و در باطن با خداوند بودن؛

پنجم. یاد کرد، کنایه است از ذکر زبانی و قلبی که مبتنی است بر حبس نفس که حتی در انجمن نیز نفس را در سینه حبس می‌کنند، لبها را بر هم می‌نهند، زبان را به کام می‌چسبانند و ذکر را به خاطر می‌آورند، تا بی هیچ خلوت ظاهری حضور حق را ادراک و احساس کنند؛

ششم. بازگشت، یعنی سالک، کلمه لا اله الا الله را تکرار کند و در دل بگوید «الهی انت مقصودی و رضاک مطلوبی» (خدایا مقصود من تویی و مطلوب من رضای تست)؛ گویی با این اندیشه از هر چه هست، باز می‌گردد و حتی اگر در آغاز سلوک در این اندیشه صادق نیست، تکرار این اندیشه سبب تصفیه ضمیر او خواهد بود؛ اگر سالک ذکر زبانی می‌گوید، باید این عبارت را به زبان بگوید و اگر ذکر قلبی می‌گوید باید آن را بر قلب بگذراند؛

هفتم. نگاهداشت، یعنی حفظ قلب از دخول خواطر (خواطر غیر حق)؛

هشتم. یادداشت، یعنی دوام آگاهی به حق بر سبیل ذوق؛ هم‌چنین گفته‌اند که عبارت است از مشاهده، یعنی استیلائی شهود حق بر دل به تأثیر از حب ذاتی؛

نهم. وقوف زمانی، یعنی سالک در همه وقت بر احوال خود وقوف و آگاهی داشته باشد؛

دهم. وقوف عددی، عبارت است از رعایت عدد فرد در ذکر، یعنی ذاکر در یک نفس، سه یا پنج یا بیست و یک بار ذکر گوید. به گفته خواجه بهاء الدین، رعایت عدد در ذکر قلبی برای جمع خواطر متفرقه است، او وقوف عددی را اولین مرتبه علم لدنی دانسته است؛

یازدهم. وقوف قلبی، یعنی دل ذاکر در عین ذکر، به حق - سبحانه - واقف و آگاه باشد و به غیر حق توجه نکند و در حین ذکر، ارتباط و آگاهی به مذکور شرط است و این آگاهی را شهود و وصول و وجود و وقوف قلبی می‌گویند.^{۲۰}

ب) تصوف در بوسنی و هرزگوین

در این‌که تصوف و اسلام دقیقاً از چه زمانی به منطقه بالکان و بوسنی وارد شده است، دو دیدگاه متفاوت وجود دارد: یکی این‌که اسلام و نیز سنت تصوف با ورود عثمانیان - در سال ۸۶۷هـ/۱۴۶۳م - به این منطقه آمده و دیگر این‌که تصوف و اسلام پیش از این با رنگ و بوی شیعی در این منطقه حضور داشته است. هر دو دیدگاه مبنای پژوهشی داشته و اسناد و مدارک خود را دارد؛ اما دیدگاه اول معروف‌تر و بیشتر مورد توجه واقع شده است؛ اگر چه دیدگاه دوم نیز مستند به شواهد قابل توجه است. در سال ۸۶۷هـ/۱۴۶۳م، پس از قتل تماشویچ، آخرین پادشاه بوسنی، سلطان محمد فاتح، بر این منطقه سیطره یافت؛ و چنان‌که گفته‌اند، وی حدود چهل تن از مشایخ سلسله‌های مختلف عرفانی را بدانجا منتقل ساخت؛ و همین امر موجب شد که از آن زمان به بعد گرایش مردم این سرزمین به اسلام بیشتر شد؛^{۲۱} البته چنان‌که ادین کواکویتسا، محقق بوسنیایی در حوزه تصوف و از مشایخ جوان رفاعیه و نقشبندیّه، در کتاب *اسلام در بالکان* گفته است: «واقع این است که اسلام حداقل در مرحله ابتدایی، قبل از آمدن ترک‌های عثمانی در این منطقه حضور داشته و این حضور، مدیون فعالیت درویش، مبلغان و جنگجویان بوده است»^{۲۲} اما صوفیه نقش بسزائی در ورود و استقرار اسلام و تصوف در بوسنی و هرزگوین داشته‌اند و لذا در دو قرن اول حضور اسلام در منطقه (سده ۹ و ۱۰هـ/ ۱۵-۱۶م) اکثر عالمان و روحانیان و فقها خود عضو یکی از طریقت‌های موجود در بوسنی بوده‌اند. صوفیان به عنوان بخش قابل توجهی از لشکر عثمانی، پس از تسلط بر شهرها و روستاها کوشش می‌کردند با ساختن تکایا و مساجد و نیز ساماندهی مسائل شهری، به تبلیغ و ترویج اسلام و

۲۰. واعظ کاشفی، همان، ۱/ ۳۸-۴۱، ۴۷-۵۰؛ صاری اوغلی، همان، ۳۲-۴۱؛ زرین کوب، *دنباله جستجو در تصوف ایران*، ۲۱۰.

۲۱. فاین، «ریشه‌های تاریخی جامعه بوسنی مدرن در دوره عثمانی و قرون وسطی»، ۵۱-۵۲؛ جامجیچ، «بوسنی - دوره اسلامی و پس از آن»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ۱۳/ ۱۰؛ اویچ، «بوسنی: تصوف»، *دائرةالمعارف بزرگ*

اسلامی، ۱۳/ ۱۵؛ Malcolm, *Bosnia: A Short History*, p.28-29.

22. Edin Urjan Kukavica, *Islam na Balkanu*, KDBH Preporod, Zagreb, 2012.

اندیشه‌های صوفیانه خود پردازند و این مسأله، تأثیر چشم‌گیری در توجه و اقبال غیر مسلمانان به اسلام و به‌ویژه اندیشه‌های صوفیانه داشت و بدین جهت لشکر عثمانی در استقرار در مناطق تحت تصرف مشکل چندانی نداشت و به آسانی در این مناطق استقرار یافت. از این رو، حکومت نیز توجه ویژه‌ای به درویش کرد و درویشی که در جنگ حضور می‌یافتند، نه تنها از پرداخت مالیات و عوارض معاف بودند، بلکه از امتیازات ویژه‌ای از قبیل واگذاری اراضی برخوردار می‌شدند؛^{۲۳} اما بعد از استقرار عثمانی‌ها، درویش با مردم انس بیشتر گرفتند و مردم برای کسب موعظه و کمک، بیشتر به آن‌ها مراجعه می‌کردند تا به نمایندگان رسمی علوم دینی. از این رو، در سال ۱۴۶۲ میلادی، عیسی بیک اسحاقویچ، تکیه مولویه را در سارایوو برپا ساخت، و سپس اسکندر پاشا بین سال‌های ۱۵۰۵-۱۴۹۹م تکیه نقشبندیه را، و پس از او غازی خسرو بیگ قبل از سال ۱۵۳۱ خانقاه طریقت خلوتیه و بعدها تاجر حاجی سینان آغا، در قرن ۱۷ تکیه قادریه را در سارایوو تأسیس کردند.^{۲۴}

بین سال‌های ۱۴۶۴ و ۱۸۷۸، یعنی دوران حکومت عثمانی، در بوسنی ۱۰۵ تکیه ساخته شد. اولین تکیه‌ها در بوسنی قبل از این‌که عثمانی‌ها همه مناطق کشور را تحت سلطه خود درآورند، به وجود آمدند و این تکایا به طریقت‌های مولویه، قادریه، نقشبندیه، رفاعیه، بکتاشیه و خلوتیه تعلق داشتند.^{۲۵} نکته قابل توجه آن‌که تعداد زیادی از شهرهای بوسنی در مکان‌هایی ساخته شد که پیش‌تر در آن‌جاها تکیه ساخته شده بود.^{۲۶}

بعد از پایان جنگ جهانی دوم و به دنبال تغییرات سیاسی سال ۱۹۵۲م و روی کار آمدن رژیم کمونیستی در بوسنی، فعالیت‌های تکیه‌ها و طریقت‌های صوفیه ممنوع شد؛^{۲۷} اما در سال ۱۳۵۶هـ/ ۱۹۷۷م، تکیه‌ها فعالیت‌های خود را آغاز کردند؛ و سرانجام در سال ۱۹۹۱م جامعه

۲۳. دیزداریچ، سداد، تأثیر مثنوی مولوی و طریقت مولویه بر فرهنگ و ادبیات بوسنی (پایان‌نامه دکتری)، ۱۳۹۰، ۶۶.

24. Ćehajić, Džemal, *Derviški redovi u Jugoslovenskim zemljama sa posebnim osvrtom na Bosnu I Hercegovinu*, Orjentalni institut u Sarajevu; Sarajevo, 1986, pp. 91-96.

25. Pašić, Amir, *Islamic architecture in Bosnia and Herzegovina*, Istanbul, 1994, pp.209-211.

26. Handžić, Mehmed, *Islamizacija BiH; Porijeklo BiH muslimana, Bošnjaci I islam*, Visoki saudijski komitet za pomo, BiH, Sarajevo 1998, p.48.

27. Cvitković, Ivan, *Religije u BiH*, Tuzla 1981, pp.61-62.

اسلامی،^{۲۸} فعالیت‌های این مرکز را در چارچوب اساسنامه مرکز که در سال ۱۹۸۶ نوشته شده بود، رسماً تأیید کرد. از آن زمان تا کنون در بوسنی طریقه‌های قادریه، رفاعیه، نقشبندیّه، مولویه، خلوتیه، شاذلیه، بدویه، دسوقیه، سعدیه، سینانیه، بایرامیه و بکتاشیه فعالیت دارند.^{۲۹} در بوسنی شاهد اختلاط تعلیمات طریقت‌های مختلف هستیم؛ زیرا بعضی از شیوخ اجازه ارشاد در هر ۱۲ طریقت را که در بوسنی به رسمیت شناخته شده‌اند داشتند. چنین وضعیتی امروزه هم حاکم است؛ به عنوان مثال عبدالله افندی فوچاک شیخ طریقت نقشبندیّه و شیخ تکیه ملینی در سارایوو بود که در قونیه اجازه ارشاد و تلقین ذکر مطابق اصول مولویه را نیز گرفت. علاوه بر او، شیخ طریقت قادریه، فیض الله افندی حاجی بایریچ هم در تکیه‌های سارایوو ذکر را مطابق اصول مولویه تلقین می‌کرد، و این امر نشان‌دهنده ارتباط نزدیک این سه طریقت، یعنی نقشبندیّه، قادریه و مولویه در بوسنی است.^{۳۰}

ب-۱) طریقت نقشبندیّه در بوسنی و هرزگوین

طریقت نقشبندیّه در قرن ۱۵ میلادی به همراه ورود عثمانی‌ها به بوسنی راه یافت. پیروان این طریقت، از جمله در بین نیروهای نظامی عثمانی‌ها، نسبتاً زیاد بودند؛^{۳۱} از جمله در بین نیروهای نظامی سلطان محمد فاتح، دو شیخ برجسته طریقت نقشبندیّه، یعنی عینی دده و شمسی دده، حضور داشتند که در حقیقت اولین نمایندگان طریقت نقشبندیّه در بوسنی بودند.^{۳۲} اینان با شیخ عبدالله الهی (متوفی ۱۴۹۱م)، از خلفای شیخ عبیدالله احرار (متوفی

۲۸. مسائل دینی هر یک از ادیانی که در بوسنی و هرزگوین دارای پیرو می‌باشند توسط نهادی متشکل از عالمان دینی آن دین خاص اداره می‌شود. نهاد دینی مسلمانان بوسنی و هرزگوین جامعه اسلامی (islamska zajednica) نامیده می‌شود. کلیه اماکن و سازمان‌های دینی از قبیل مساجد، مدارس دینی، دانشگاه‌های دینی و ... زیر نظر این نهاد اداره می‌شوند.

29. Statut Tarikatskog centra BiH, potvrđen 17.12.1992 godine na sjednici u Sarajevu.

اساسنامه مرکز طریقت دراویش بوسنی و هرزگوین

30. Halilagić, Sead, *Merhum hadži Šejh Abdullah-ef. Fočak; Preporod*, god.XXII, br.7/494, Sarajevo 1991, p.17.

31. Bevrnja, Adnan, *Nakšibendije; biblioteka Sufi*, Sarajevo 1990.

32. Čehajić, Džemal, *Derviški redovi u Jugoslovenskim zemljama sa posebnim osvrtom na Bosnu I Hercegovinu*, Orjentalni institut u Sarajevu; Sarajevo, 1986, pp.35 – 36.

۸۹۵هـ/ ۱۴۹۰م) و نیز با شیخ لطف الله، خلیفه شیخ عبیدالله احرار و بنیان‌گذار اولین تکیه از اسکوپیه، مرتبط بوده‌اند.^{۳۳} این دو شیخ در سال ۸۶۶ هـ/ ۱۴۶۱-۱۴۶۲م در سارایوو در گذشتند و در همان جا به خاک سپرده شدند. قبرهای آنان در حریم مسجد علی پاشا در سارایوو قرار دارد.^{۳۴}

دانسته‌های ما درباره فعالیت‌ها و گسترش اولیه طریقت نقشبندیه، بعد از ورود عثمانی‌ها به منطقه بوسنی، به‌ویژه در قرن ۱۵م، بسیار اندک، و مبتنی بر سنگ نبشته‌ها و قبر نوشته‌ها و یا مکان‌های تاریخی است.^{۳۵} شیوخ و پیروان این طریقت بیشتر از طبقه روشن‌فکر جامعه بودند. رفتار مناسب آنان با سطوح مختلف جامعه موجب گسترش این سلسله در سطوح مختلف جامعه شد.^{۳۶} از همین رو، در بین تمامی طریقت‌های صوفیه در بوسنی، این طریقت بیش‌ترین و مؤثرترین حضور را دارا شد، و به «طریقت بومی مردم بوسنی» شهرت یافت. مهم‌ترین شخصیت این طریقت، حسین بابا زوکیچ بوسنوی است که روند گسترش نقشبندیه در بوسنی را موجب شد. وی اجازه فعالیت و ارشاد مطابق اصول هر ۱۲ طریقتی را که در بوسنی به رسمیت شناخته شده بود داشت؛ اما به دلیل آن‌که او این طریقت را با زندگی و روحیات مردمان این منطقه مناسب‌تر می‌دانست، تأکید بیشتری بر این سلسله داشت. بعد از او، شیخ عبدالرحمن سَرّی بابا سیکریچ و سیدعبدالوهاب زیچوی الهامی بابا طریقت او را ادامه دادند.^{۳۷} طی قرن‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی شبکه‌ای از تکیه‌های نقشبندیه در شهرهای مختلف بوسنی تأسیس شد. در بین این‌ها تکیه‌ها و شیوخ ژبوچیچی و اگلاواک از بیش‌ترین اهمیت برخوردار بودند و بر تمام بوسنی و هرزگوین نفوذ داشتند.^{۳۸} این طریقه در قرن ۲۰م، یعنی در دورانی که حکومت کمونیستی به دنبال نابودی تصوف و اسلام در منطقه بود، نقش بسیار مهمی در برابر این سیاست ایفا کرد؛ چندان که می‌توان ادعا کرد که شکست کمونیست‌ها حاصل حضور و فعالیت بزرگان طریقت نقشبندیه بود. در این دوره، بعد از آن‌که در سال ۱۹۵۲

33. Edin Urjan Kukavica, *Islam na Balkanu*, KDBH Preporod, Zagreb, 2012.

34. Ilić, Slobodan, 'Hamzevijska i hurufijska jeres u Bosni kao reakcija na političku krizu osmanske imperije u drugoj polovini 16 vijeka', *POF*; Sarajevo 1991, p.49.

35. Ibid, pp.35-36.

36. Bevrnja, Adnan, *Nakšibendije; biblioteka Sufi*, Sarajevo 1990, pp.15-16.

37. Ibid.

38. Čehajić, Džemal; *Derviški redovi u Jugoslovenskim zemljama sa posebnim osvrtom na Bosnu I Hercegovinu*; Orjentalni institut u Sarajevu; Sarajevo, 1986, p.50.

همه تکیه‌ها بسته و فعالیت آن‌ها غیرقانونی اعلام شد، در اویش نقشبندیّه، به پیشوایی شیخ حافظ لِمِش از اوورِیچی، فعالیت‌های خود را متوقف نکردند، بلکه مساجد را جایگزین تکیه‌ها کردند.^{۳۹} چنان‌که اشاره شد، مکتب تصوف اگلاواک در بوسنی و هرزگوین، نفوذ بسیار داشت؛ تعلیمات این مکتب را شیخ عبدالرحمان سرّی بابا در الهیه‌های خود که به زبان ترکی سروده، بیان داشته است. این اشعار، که گنجینه‌ای از تفکرات و نصایح صوفیانه است، به همت شاگرد او، سیکریریچ، از ترکی به بوسنیایی ترجمه شده است. از دیگر بزرگان و خاندان‌های مهم و بزرگ این مکتب در بوسنی، باید از این‌ها نام برد: خانواده‌های سیکریریچ و حاجی میلیچ، سپس مفتی نوماناگیچ و شاگردش شیخ حافظ لِمِش، حاجی حافظ مصطفی افندی مویچ از پالژ، معروف به شیخ حافظ پالژ و شاگردش شهید شیخ محمد افندی حافظ ویچ.^{۴۰} خانواده کورکوت، نیز تعلیم این سلسله را در شهر تراونیک گسترش دادند؛ به علاوه، حاجی درویش افندی اسپاهیچ، نیز تأثیر زیادی بر ماندگاری و نشر اسلام در منطقه زینیتسا داشت.^{۴۱}

ب-۲) تکیه‌های نقشبندیّه در بوسنی و هرزگوین

تکایای بسیاری در بوسنی و هرزگوین در طول ورود تصوف به این سرزمین احداث شده که احصا و معرفی آن دشوار است؛^{۴۲} اما به گفته شیخ چولیچ، تکیه‌های ووکلیچی، اگلاواک، ویسوکو و تکیه‌های سارایوو، تکیه‌های اصلی‌اند که تمامی تکیه‌های طریقت نقشبندیّه در بوسنی از آن‌ها به وجود آمده‌اند از مهم‌ترین تکیه‌های بوسنی می‌توان به این‌ها اشاره کرد:

۱. **تکیه غازی لِر در سارایوو.** این تکیه که در نزدیکی مسجد علی پاشا، در جوار تربت عینی دده و شمسی دده - دو شیخ برجسته طریقت نقشبندیّه که پیش از این از آن‌ها یاد شد - قرار

39. Hadžibajrić, Fejzullah; Djelatnost tarikatskog centra u Sarajevu; Šebi-arus, br 12., Sarajevo 1990, p.19.

40. Ibid, pp.273-274.

41. Ibid, p.274; Šukrić, Nijaz, *Mjesto i uticaj tesawufa na razvoj islamske kulture u nas, Tesawwuf-islamska mistika, Zbornik radova prvog simpozija* 1988. godine, Zagrebačka džamija, Zagreb, 1989, pp.141-150.

۴۲. به گفته اویچ (همانجا): «اولین تکیه‌ها در بوسنی، پیش از تصرف کامل این کشور توسط نیروهای عثمانی ساخته شدند. شاید بتوان نخستین نهاد رسمی تصوف در بوسنی را تکیه مولویه به نام "ایشک بگوا تکیه" در سارایوو دانست که در ۱۴۶۴/هـ-۱۸۶۸م ساخته شده است. پس از آن در ۱۵۰۰/هـ-۱۹۰۶م تکیه اسکندر پاشا و سپس در ۱۰۵۰/هـ-۱۶۴۰م تکیه حاجی سنان پاشا در این شهر بنیاد نهاده شد. در همین دوران تکیه‌های کوچک‌تر متعددی نیز در سارایوو پدید آمده بود (نیز نک: اولیا چلبی، سیاحت نامه، ۵/ ۴۳۱-۴۳۲).

دارد.^{۴۳} به همراه تکیه اسکندر پاشا جزو اولین تکیه‌های سارایوو است. مورخان با توجه به تاریخ وفات این دو شیخ که بر سنگ قبر آنان نگاشته شده- یعنی سال ۸۶۶ هـ/ ۱۴۶۱-۱۴۶۲م- و اسناد دیگر، تاریخ تأسیس این تکیه را ۱۴۳۵ و ۱۴۶۱ میلادی تخمین زده^{۴۴} و بنای این تکیه را به این دو شیخ نسبت داده‌اند؛ اما نظر غالب آن است که این تکیه را شخصی به نام حسن بیگ تأسیس کرد و آن را «غازی لر یولو»، یعنی راه غازیان یا مبارزان مسلمان، نامید. این تکیه که امروزه فقط خرابه‌هایی از آن باقی مانده است در اوایل سده هفدهم میلادی به طریقت قادریه تعلق یافت.^{۴۵}

۲. تکیه اسکندر پاشا در سارایوو. این تکیه نیز یکی دیگر از تکیه‌های نقشبندیه در سارایوو است که در منطقه اسکندریه امروزی به عنوان موقف اسکندر پاشا یوریشیچ برپا است.^{۴۶} اسکندر پاشا در فاصله سال‌های ۱۴۹۹ و ۱۵۰۵ م - و به روایتی ۱۴۶۷ م- این زاویه یا تکیه بزرگ را در ساحل رودخانه میلیاتسکا بنا کرد و در کنار آن هم عمارت و مسافرخانه‌ای ساخت؛ همچنین در ساحل دیگر این رودخانه، مأمنی برای مسافران، یازده «دکان» و پلی بر روی رودخانه ایجاد کرد.^{۴۷} این تکیه که اولیا چلبی از آن با نام «شیخ مسافر» نیز یاد می‌کند،^{۴۸} علاوه بر آن که نقش قابل توجهی در گسترش طریقت نقشبندیه ایفا کرده، از مراکز مهم اقتصادی و فرهنگی شهر سارایوو به حساب می‌آمد؛ و تأثیر آن بر گسترش این طریقت نیز به

43. Ašik, *Nakšibendije u Sarajevu*, Preporod, god.XXII, br.7/494, Sarajevo 1991, p.17.

44. Zlatar, *Behija, Tekije u Sarajevu u XVI i XVII stoljeju*, Beharistan; dvobroj 3/4; Sarajevo 2001, pp.146-155; cf. Šabanović Hazim, *Teritorijalno širenje I građevni razvoj Sarajeva u XVI stoljeću*, knj. XVI; Odjeljenje istorijsko-filoloških nauka, knj. 9, Sarajevo, 1965, pp.34-39.

45. Zlatar, *Behija, Tekije u Sarajevu u XVI i XVII stoljeju*; Beharistan, dvobroj 3/4; Sarajevo 2001, pp.146-155.

46. Ašik, *Nakšibendije u Sarajevu, Preporod*, god.XXII, br.7/494, Sarajevo 1991, p.17.

47. Čehajić, Džemal, *Derviški redovi u Jugoslovenskim zemljama sa posebnim osvrtom na Bosnu i Hercegovinu*, Orjentalni institut u Sarajevu, Sarajevo, 1986, pp. 38, 39.

48. Zlatar, *Behija, Tekije u Sarajevu u XVI i XVII stoljeju*, Beharistan, dvobroj 3/4; Sarajevo 2001, p.201.

دلیل ثروت زیادی بود که اسکندر پاشا بر آن وقف کرده بود. این تکیه تا جنگ جهانی دوم هم چنان به فعالیت خود ادامه داد و آخرین شیخ آن، حاجی محمد پوتوگیا بود.^{۴۹}

۳. تکیه یدی لِر در ساراووو. این تکیه، که به شاخه «خالدیه» طریقت نقشبندیّه تعلق دارد، در اواسط سده نوزدهم میلادی در خیابان حاجی سلیمان چوکاجی بنا شد.^{۵۰} در کنار آن مسجد و تربت یدی لِر، معروف به «تربت هفت برادر» قرار دارد.^{۵۱} در آغاز در آنجا فقط تربت شیخ و اتاقی برای نگهبانی از تربت وجود داشت؛ اما در سال ۱۸۶۵م، شیخ سیف الله ابلیزویچ، نگهبان تربت، در آنجا مراسم ذکر برپا کرد و همین امر موجب جلب هواداران و پیروان زیادی شد و به تدریج این تکیه رونق گرفت.^{۵۲} شایان ذکر است که در باب سلسله و طریقت شیخ سیفی ابلیزویچ اختلاف نظر است. برخی او را از نقشبندیّه و عده‌ای دیگر به دلیل آن که او در بورسا، که در آن دوران مرکز فعالیت خلوتیه بوده، تحصیل کرده است، او را از خلوتیه دانسته‌اند. به همین دلیل، درباره تکیه یدی لِر هم اختلافاتی وجود دارد؛ اما به نظر می‌رسد که این تکیه فقط در دوران شیخ سیفی به خلوتیه تعلق داشته و در دوران‌های دیگر متعلق به نقشبندیّه بوده است. این تکیه با همه اسنادش در آتش‌سوزی سال ۹-۱۸۷۸م از بین رفت و مجدداً بازسازی شد^{۵۳} و تا سال ۱۹۳۷م برپا بود.^{۵۴}

۴. تکیه ملینی در ساراووو یکی دیگر از تکیه‌های نقشبندیّه است. کتیبه‌ای بر در ورودی تکیه قرار دارد که در سال ۱۹۱۲م شیخ بهاء‌الدین سیکیریچ آن را نوشته است. فعالیت این تکیه که یکی از مراکز مهم تصوف در بوسنی است، از سده نوزدهم میلادی آغاز شد و تاکنون نیز ادامه دارد و فقط مدتی در فاصله سال‌های ۱۹۵۲ و ۱۹۶۸ بسته بود. بعد از باز شدن تکیه در سال

49. Ašik, *Nakšibendije u Sarajevu*, Preporod, god.XXII, br.7/494, Sarajevo 1991, p.17; cf.Zlatar, Behija, *Tekije u Sarajevu u XVI i XVII stoljeju*, Beharistan; dvobroj 3/4, Sarajevo 2001, pp.146-155.

50. Ašik; *Nakšibendije u Sarajevu*, *Preporod*, god.XXII, br.7/494, Sarajevo 1991, p.17.

51. Čehajić, Džemal, *Derviški redovi u Jugoslovenskim zemljama sa posebnim osvrtom na Bosnu I Hercegovinu*, Orientalni institut u Sarajevu, Sarajevo, 1986, pp.44- 45.

52. Ibid.

53. Pajević, Izet-Zikri, *Šejh dr hadži Mehmed Sami Berbić, liječnik I sufija iz Tuzle*, Hikmet; period VIII br.1(85); januar 1995, pp.343-345.

54. Ibid.

۱۹۶۸م شیخ عبدالله فوچاک هدایت آن را بر عهده گرفت و اکنون نیز شیخ سعید استریک عهده‌دار آن است.^{۵۵}

۵. تکیه شیخ حسن قائمی بابا در سارایوو خانه‌ای بود که شیخ حسن آن را به تکیه تبدیل کرد. این تکیه در ساحل رودخانه میلیاتسکا در خیابان آياس پاشینا قرار دارد. این تکیه چندبار در آتش‌سوزی‌های مختلف از بین رفته و مجدداً بنا شده بود تا این‌که در سال ۱۸۰۱م به طور کامل از بین رفت و به جای آن تکیه‌ای جدید ساخته شد که به عنوان تکیه نقشبندیه معروف است؛ هرچند در ابتدا به طریقت خلوتیه تعلق داشته است.^{۵۶}

۶. تکیه ووکلیچی (ژیوچیچی). شیخ حسین بابا زوکیچ بوسنوی در سال ۱۱۹۵هـ/ ۸۱-۱۷۸۰م. در نزدیکی فوینیتسا، این تکیه را تأسیس کرد. تکیه ووکلیچی و شیوخ آن، همواره بر تمام جزئیات زندگی مردم بوسنی تأثیر داشتند و نقش بسزایی در گسترش تصوف در این کشور ایفا کردند. بعد از حسین بابا بوسنوی، محمد میلی بابا شیخ، و سپس حسین بابا بوسنوی (متوفی ۱۸۰۰م)، محمد میلی بابا (متوفی ۱۸۵۴م)، شیخ حسن بابا حاجی میلیچ (متوفی ۱۸۹۹م)، شیخ محمد (متوفی ۱۹۱۹م)، شیخ عبدالطیف افندی حاجی میلیچ (متوفی ۱۹۵۱م) و بهاء‌الدین افندی حاجی میلیچ (متوفی ۱۹۹۶م) سرپرستی این خانقاه را بر عهده داشتند. هم اکنون شیخ حسین بابا بوسنوی در ووکلیچی و شیخ حسین حاجی میلیچ از مشایخ این خانقاه هستند.^{۵۷}

۷. تکیه اگلاواک. شیخ عبدالرحمان سّری (سده ۱۹م)، مرید شیخ حسین بابا زوکیچ بوسنوی، این تکیه را حدوداً در سال ۱۸۰۰ میلادی در نزدیکی فوینیتسا ساخت و سپس، به مرور در اطراف آن، روستای اگلاواک ساخته شد. به دلیل فعالیت‌های شیخ سّری بابا و اهمیت این تکیه، تکیه اگلاواک به طور مستمر از سوی دولت عثمانی حمایت می‌شد. علاوه بر این چندین نماینده حکومت عثمانی در ایالت بوسنی در همین تکیه آموزش دیدند و تربیت شدند. سلسله شیوخ این تکیه چنین است: شیخ عبدالله سّری بابا (متوفی ۱۸۴۷م)، شیخ عبدالطیف (متوفی

55. Ašik, *Nakšibendije u Sarajevu*, Preporod, god. XXII, br.7/494, Sarajevo 1991, p.17.

56. Ibid.

57. Čehajić, Džemal, *Derviški redovi u Jugoslovenskim zemljama sa posebnim osvrtom na Bosnu I Hercegovinu*, Orjentalni institut u Sarajevu, Sarajevo, 1986, pp.50-55.

۱۸۸۳م)، شیخ شاکر (متوفی ۱۸۹۰م)، شیخ عبدالحلیم (متوفی ۱۹۱۷م)، شیخ حمدیا (متوفی ۱۹۳۰م)، شیخ شاکر سیکریچ (متوفی ۱۹۶۶م) و حلمیا سیکریچ.^{۵۸}

۸. تکیه ویسوکو. این تکیه در اصل منزل شخصی عالم مشهور، شیخ حسنی افندی نومانگیچ (۱۹۳۱-۱۸۵۳) در ویسوکو بود که آن را در سال ۱۹۰۴م آن را وقف صوفیه کرد. بایسته ذکر است که شیخ حسنی افندی نومانگیچ بعد از این که مفتی تراونیک شد، چندین سال در این شهر به سر برد و پس از آن مجدداً به ویسوکو و تکیه خود بازگشت و تا زمان وفات در این شهر اقامت داشت.^{۵۹}

۹. خانقاه کاسکی محمد پاشا در موستار. کاسکی محمد پاشا، علاوه بر مسجدی در بازار کوچک موستار، خانقاه طریقت نقشبندیّه را نیز قبل از سال ۱۶۱۲م در این شهر بنا نهاد. در این خانقاه، علاوه بر برگزاری مراسم ذکر و تربیت مریدان، متون عرفانی نیز تدریس می‌شد. به همین دلیل، مشایخ این خانقاه، اشخاصی عالم بودند. آخرین شیخ این خانقاه، محمد عریاجیچ بود، که در سال ۱۸۸۸ به این مقام منصوب شد. خانقاه کاسکی محمد پاشا تا سال ۱۹۲۴ فعال بود و در آن سال خانقاه بسته و ساختمان آن در سال ۱۹۵۰ تخریب و به جای آن پارک کوچکی بنا شد.

در موستار علاوه بر این خانقاه، دو تکیه دیگر نیز وجود داشته که ابراهیم افندی آن‌ها را ساخته بوده است، اما اطلاعات دقیقی در مورد مکان و تاریخ ساخت و تخریب آن‌ها در دست نیست.^{۶۰}

۱۰. تکیه نقشبندیّه در فوینیتسا. مؤسس این تکیه به احتمال شیخ عبدالرحمان سّری بابا بود که در سده نوزدهم میلادی احداث شد و در آتش‌سوزی سال ۱۹۴۵م از بین رفت.^{۶۱}

۱۱. تکیه نقشبندیّه در تراونیک. حسنی افندی نومانگیچ، در شهرهای تراونیک و یایتسه نیز طریقت نقشبندیّه را احیا کرد و به همت او در سال ۱۹۱۸ در کنار مسجد پنی، تکیه نقشبندیّه ساخته شد.^{۶۲}

۱۲. تکیه‌ای در فوچا. این تکیه بنا به گزارش اولیاچلیبی در سال ۱۶۶۴ در شهر فوچا دایر بوده است. به گفته او در این شهر، هشت تکیه وجود داشته که مشهورترین آن‌ها تکیه بایزید بابا در

58. Ibid, pp.55-58.

59. Ibid, pp.59-60.

60. Ibid, pp.48-50.

61. Ibid, pp.58-59.

62. Ibid, p.61.

جنوب شرقی شهر بوده است. محمد پاشا در نیمه دوم قرن ۱۸م، این تکیه را بازسازی کرد؛ از این رو، برخی او را مؤسس این خانقاه بدانند. در کنار این تکیه مقبره‌ای وجود دارد که در آن قبور مراد دده و بایزید دده قرار داشته است. این تکیه تا سال ۱۹۹۱م برپا بوده، اما در جنگ اخیر در بوسنی و هرزگوین، از بین رفت.^{۶۳}

۱۳. تکیه‌ای در سئونیتسا در نزدیکی شهر کونییتس. این تکیه به وسیله عثمان نوری بگتا در سال ۱۸۸۳م در سئونیتسا تأسیس شد؛ اما مدت کوتاهی فعالیت داشت تا این که در زمان شیخ بعدی آن یعنی احمد بیگ بوتوروچ در سال ۱۹۰۸م بسته شد و ساختمان آن نیز پیش از جنگ جهانی دوم تخریب شد.^{۶۴}

۱۴. تکیه‌های نقشبندیه در شهر توزلا. در اواخر قرن ۱۹م در شهر توزلا دو تکیه وجود داشت که یکی متعلق به طریقت نقشبندیه و شیخ آن دکتر محمد سامی شریب بود و دیگری به طریقت خلوتیه تعلق داشت که شیخ آن شیخ سیفی بود.^{۶۵}

علاوه بر این‌ها، دو تکیه در دنیا توزلا (توزلای سفلی) و یک تکیه هم در گورنیا توزلا (توزلای علیا) وجود داشته است؛^{۶۶} هم‌چنین در ماه آوریل سال ۱۹۹۴ در کنار مسجد «میدان واعظ علی افندی» تکیه جدیدی بازگشایی شد؛ که قاضی حاجی احمد مشیج، شیخ طریقت نقشبندیه، در آنجا مثنوی تدریس می‌کرد، و بعد از آن مراسم ذکر برگزار می‌شد.^{۶۷}

63. Evlija Čelebi, *Putopis, prevod, uvod i komentar Hazim Šabanović*, Sarajevo, 1967, p.408.

64. Čehajić, Džemal, *Derviški redovi u Jugoslovenskim zemljama sa posebnim osvrtom na Bosnu I Hercegovinu*, Orjentalni institut u Sarajevu; Sarajevo, 1986, pp.65-66.

65. Pajević, Izet-Zikri, *Nekoliko riječi o šejhu Sejfi; Hikmet*, period VII, br.9-10 (81-82); Tuzla, septembar 1994, pp.334-335.

66. Pajević, Izet-Zikri, *Bosna I Tesawwuf; Hikmet*, Period VIII, br. 8 (92); Tuzla, 1995, p38; Hadžimehanović, Refik, *Mesdžidi i džmije u G. Tuzli*, Glasnik VIS; br.5-6; Sarajevo 1981, p.532.

67. Husejnović, Alosman, *Otvorena tekija u Tuzli*, Hikmet; period VII, br. 6 (78), Tuzla 1994, p.185.

ب-۳) مشهورترین مشایخ، مؤلفان و شاعران نقشبندیّه در بوسنی

برخی از بزرگان این سلسله در بوسنی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای داشتند و تعدادی از آنان آثار و تألیفات ارزشمندی نیز در زمینه‌های مختلف و به زبان‌های ترکی، فارسی، عربی و بوسنیایی تألیف کردند؛^{۶۸} که مشهورترین آنان عبارت‌اند از:

۱. شیخ عبدالرحمان سری بابا (متوفی ۱۸۴۷م)، از بزرگان طریقت نقشبندیّه در بوسنی و یکی از نویسندگان مهم این دیار بود. وی در سال ۱۷۷۵م در فوینتسا به دنیا آمد، و بعدها از طریق حسین بابا زوکیچ بوسنوی با طریقت آشنا و وارد طریقت نقشبندیّه شد. چنان‌که پیش از این گذشت، او در اگلاواک، تکیه‌ای بنا نهاد و به نشر تعالیم این طریقت پرداخت. از او آثار منظوم ارزشمندی به زبان ترکی و بوسنیایی باقی مانده است. در اشعار ترکی بیشتر به تعالیم عمیق نظری، و در سروده‌های بوسنیایی، به ابعاد عملی و تربیتی توجه داشت.^{۶۹} افزون بر این، از او الهیه‌های بسیاری نیز بر جای مانده است. الهیه‌ای که به زبان ترکی نوشته، با عنوان «کنز تفکرات صوفیانه و راهنمایی‌های طریقت» نشان‌دهنده مکتب خاصی در میان صوفیه بوسنی است که به نام «مکتب اگلاواک» معروف است. نکته قابل توجه پیوند عمیق مکتب او با مساجد است.^{۷۱}

۲. عبدالوهاب بن عبدالوهاب، از درویش و از نویسندگان توانا و مشهور نقشبندیّه، که در بوسنی به الهامی بابا یا الهامی (الهامیا) معروف بود. او از طریق حسین بابا بوسنوی وارد این طریقت شد؛ وی هم‌چنین، از شیخ عبدالله چانکاری، فرزند شیخ حسین چکناری، هم بهره برد. در اجازه‌نامه‌ای که چکناری به او داده است، سلسله کامل پیران طریقت تا الهامی بابا عنوان شده است. او سرانجام به دلیل انتقاد شدید از اوضاع اجتماعی و بی‌عدالتی در جامعه، دست‌گیر و به دستور علی جلال پاشا در شهر تراونیک در سال ۱۸۲۱ اعدام شد.^{۷۲} بعدها در تراونیک بر قبر او آرامگاهی بنا شد. آثار فراوانی از او به زبان بوسنیایی، اما با خط عربی، باقی مانده است؛ از

68. Bevrnja, Adnan, *Nakšibendije*, biblioteka Sufi, Sarajevo 1990, p.16.

69. Čehajić, Džemal, *Derviški redovi u Jugoslovenskim zemljama sa posebnim osvrtom na Bosnu I Hercegovinu*, Orientalni institut u Sarajevu; Sarajevo, 1986, pp.69-70.

70. Ibid.

71. Hadžibajrić, Fejzullah, *Tesawwuf, tarikat I tekije; Islamska misao*, br. 6; godina I; maj/džumadel-uhra 1979/1399 h.g., pp.18-20.

72. Dobrača, Kasim, *Tuhfetul-Musallin ve zubdetul-haši" in od Abdulvehaba Žepčevije Ilhamije; Anali GHB biblioteke*, knjiga II-III, Sarajevo, 1974, pp.41-59.

جمله آن‌ها است: *دیوان اشعار*، شامل سروده‌های او به زبان‌های عربی، ترکی و بوسنیایی؛ *علم حال* که در واقع کتاب آموزشی برای کودکان است؛ و مجموعه اشعاری با عنوان *تحفة المصلین و زبدة الخاشعین* به زبان ترکی.^{۷۳}

۳. **حسن افندی معبر مستاری (متوفی ۱۶۸۷هـ)**، از دراویش نقشبندیه و مرید شیخ عثمان افندی سارایلی که از او اجازه ارشاد و خلافت گرفت. او واعظ اصلی مسجد شیخ وفا در استانبول بود و به دلیل مهارتش در تعبیر خواب، لقب معبر یافت.^{۷۴}

۴. **شیخ حسین بابا زوکیچ (متوفی ۱۷۹۹م)**، او نخست طریقه مجددیه نقشبندیه را در شهر فوینیتسا رهبری می‌کرد و سپس تکیه‌ای در روستای ووکلیچی بنا نهاد.^{۷۵}

۵. **مصطفی افندی سارایلیچ (متوفی ۱۸۴۷م)**، از مریدان شیخ عبدالرحمان سری بابا بود که در شهر موستار می‌زیست. دو اثر او تحت عنوان *دو بحث شیخ مصطفی سارایلیچ* در سال ۱۹۸۵ به چاپ رسیده است.^{۷۶}

۶. **محمد شاکر افندی معیدویچ (۱۸۵۹م)**، که مفتی سارایوو و درویش طریقت نقشبندیه بود.^{۷۷}

۷. **حافظ عمر افندی پالش (متوفی ۱۹۲۵م)**، که در سال ۱۸۵۰م در سارایوو به دنیا آمد و بعدها به جمع مریدان حسنی افندی نومانگیچ پیوست؛ سرانجام خود مدتی در مقام شیخ تکیه‌های اسکندر پاشا و یدی لر، و بعد از فوت حسن بابا چند نوبت در تکیه ووکلیچی به هدایت مریدان پرداخت. از میان اشعار او می‌توان قصیده‌ای را که به احترام حسنی افندی نومانگیچ سروده است، نام برد.^{۷۸}

۸. **حاجی حافظ حسنی افندی نومانگیچ (متوفی ۱۹۳۱م)**، از شیوخ برجسته و از مدرسان *فصوص الحکم* ابن عربی بود که در شهر فوینیتسا به دنیا آمد، و در سال ۱۹۱۴م مقام مفتی شهر تراونیک را یافت. گفته‌اند که او به زبان‌های شرقی مطلب می‌نوشت، اما اثری از او برجای نمانده است.

73. Ćehajić, Džemal, *Derviški redovi u Jugoslovenskim zemljama sa posebnim osvrtom na Bosnu I Hercegovinu*; Orientalni institut u Sarajevu; Sarajevo, 1986, pp.73-74.

74. E.F., *Domaći pisci tesavvufskih radova*; Šebi arus; Sarajevo, 1986, p.36.

75. Ibid.

76. Ibid.

77. Ibid.

78. Ibid.

۹. بهاء‌الدین افندی سیکریچ، که در سال ۱۸۶۰م در اگلاواک به دنیا آمد؛ و در سال ۱۹۰۵م در مکتب مسجد کوچک کاتب در ساریوو تکیه‌ای تأسیس کرد و از سال ۱۹۱۷ تا زمان فوت خود، به سال ۱۹۳۴، رهبری این تکیه را بر عهده داشت. مهم‌ترین اثر او با عنوان *اوراد نقشبندی* به چاپ رسیده است. افزون بر این، از او چند غزل، رباعی و کتیبه‌ای نیز برجای مانده است.^{۷۹}

۱۰. دکتر شاکر سیکریچ (۱۹۶۶م)، در سال ۱۸۹۳م در اگلاواک به دنیا آمد، و بعدها شیخ تکیه اگلاواک و در عین حال رئیس دانشکده الهیات شد. آثار مشهور او عبارتند از: *سودی به عنوان شارح گلستان*، که شرح احوال احمد سودی بوسنوی (متوفی اوایل سده یازدهم هـ) و معرفی شرح او بر *گلستان سعدی* است؛ *تکیه‌های ساریوو، نگاهی به تکیه‌ها و صومعه‌ها، تصحیح اشعار الهی یا الهیه شیخ عبدالرحمان سری بابا، تصحیح دیوان جامی، و تصحیح دیوان محمد رشید*.^{۸۰}

۱۱. حاجی درویش افندی اسپاهیچ (متوفی ۱۹۷۸م). او در سال ۱۸۹۳م در روستای پویسکه در نزدیکی شهر زینیتسا به دنیا آمد؛ و بعدها از طریق محمد افندی حاجیچ، شاگرد و مرید محمد خاضم کورکوت، به طریقت نقشبندیّه درآمد، و از زاهدان مهم و مشهور شهر زینیتسا شد. گفته‌اند حلقه مجلس ذکر او در آن دوران، بزرگ‌ترین حلقه ذکر در بوسنی و هرزگوین بوده است. او به ابراهیم افندی، فرزند محمد افندی و به دو فرزند خود، نصیب و منیر افندی، اجازه تشکیل حلقه ذکر داد.^{۸۱}

۱۲. آدم افندی کاراجوزویچ (متوفی ۱۹۸۱م). او از طریق حافظ نومانگیچ با تصوف آشنا شد و بعد از آن در زمینه تصوف آثار زیادی تألیف و ترجمه کرد؛ از جمله بخش‌هایی از *دیوان حافظ* و *گلستان سعدی* را به زبان بوسنیایی برگرداند. مهم‌ترین اثر وی، *ترجمه پندنامه و تصوف‌نامه* از شیخ احمد ظارفی بابا، از بزرگان طریقت سعدیه در قرن ۱۸م است.^{۸۲}

ب-۴) ویژگی نقشبندیّه بوسنی و هرزگوین

گفته‌اند که شیخ محمد حصار بداوینی (بداوینی) بعد از خود دو نفر از بزرگان طریقت را به عنوان خلیفه معرفی کرد، یکی برای منطقه هند و دیگری برای بوسنی. در بوسنی خلیفه وی

79. Ibid.

80. Ibid.

81. Ibid.

82. Ibid.

حسین بابا بوسنوی بود که بعد از او عبدالرحمان سری بابا رهبری نقشبندیه را در بوسنی بر عهده گرفت؛ اما در هند رهبری نقشبندیه بر عهده شیخ شمس الدین حبیب الله مظهر جان جانان بود که بعد از او شیخ عبدالله دهلوی، و سپس، شیخ خالد بن حسین عثمانی مجددی برگزیده شدند. البته این شاخه از سلسله نقشبندیه نیز بعدها در بوسنی رواج یافت.

چنان که پیش از این اشاره شد، سلسله نقشبندیه تنها سلسله‌ای است که دو نسب‌نامه دارد که هر دو نسب‌نامه به ائمه اطهار(ع) متصل است؛ یکی از این دو نسب‌نامه به حضرت امیرالمؤمنین(ع) ختم می‌شود و نسب‌نامه دیگر از طریق حضرت امام جعفر صادق(ع) به ابوبکر می‌رسد. شیخ چولیچ ضمن اشاره به این دو نسب‌نامه، نسبت‌نامه نخست را سلسله طلایی و نسب‌نامه دومی را سلسله نقره‌ای می‌نامد. این سلسله، به‌ویژه در بوسنی، ارادت بسیاری به اهل بیت(ع) دارند و اعتقادات آنان شباهت بسیار به تعالیم اهل بیت(ع) و معارف شیعه دارد.

نکته قابل توجه دیگر، تساهل و تسامح طریقت نقشبندیه بوسنی با سایر سلسله‌ها و دیگر فرق اسلامی است؛ لذا جدایی‌ها و افتراق‌هایی که معمولاً طریقت‌ها از هم دارند و نیز حساسیت‌های موجود در بین طریقت‌های مختلف تصوف، در بوسنی و هرزگوین در مقایسه با دیگر نقاط کمتر دیده می‌شود.

صوفیان بوسنیایی، به‌ویژه نقشبندیه، همواره در مصائب گوناگونی که ملت بوسنی و هرزگوین تا کنون به کرات با آن دست به گریبان بوده‌اند، و از جمله در جنگ اخیر، همراه با مردم و در کنار آنان و در رنج و غم با آنان سهیم بوده و سعی کرده‌اند دردهای آنان را التیام بخشند. آنان در شهر و روستا با مردم مراوده داشته و همواره به ارشاد و دعوت آنان پرداخته و در جذب جوانان و حتی قشر تحصیل کرده و دانشگاهی بسیار موفق بوده‌اند.^{۸۳} این طریقت، وارد عرصه‌های اجتماعی و عمومی نیز شده و علاوه بر تأسیس درمانگاه‌ها، پایگاه‌های مجازی نیز ایجاد کرده، و مجلات و حتی روزنامه‌هایی نیز دارد. در بخش فعالیت‌های اجتماعی، نقشبندیه بوسنی را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

گروه نخست جماعتی که هر چند از نقشبندیه بوسنی‌اند، اما در گذشته در کشور بوسنی و هرزگوین حضور نداشته‌اند و بر شمار اینان سال به سال افزوده می‌شود. برخی از رهبران این گروه خود را منتسب به شیوخ معنوی بوسنیایی می‌دانند؛ و برخی دیگر خود را به شیوخ غیر بوسنیایی، مخصوصاً مشایخ ترک، منسوب می‌کنند. یکی از خصوصیات اصلی این گروه ارتباط

۱. بگروبیچ، سامیر، «چالش‌های سنت نقشبندیه»، سالنامه تکویم، ۲۰۱۴، ساریوو، ۱۹۴.

آنان با قشر جوان است. این گروه از جانب مجامع و محافل دانشگاهی و رسمی، به خصوص قشر اطبا، با اقبال بسیار خوبی مواجه بوده است. شایان ذکر است که این جماعات بر پیوند علوم معنوی با علوم طبیعی تأکید بسیار دارند و از این طریق به درمان بیماران روحی و روانی می‌کوشند. اکثر جماعات دراویشی که به نوعی با این گروه مرتبطاند، در شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز حضوری فعال دارند. از این‌رو، روزه‌روز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود. آن‌ها حضور چشم‌گیری نیز در رسانه‌های مختلف جامعه داشته و مقالات و اندیشه‌های خود را در روزنامه‌ها، در قالب تحلیل‌های اجتماعی-سیاسی ارائه می‌نمایند. تفاوت محسوسی که در نوع فعالیت این گروه به چشم می‌خورد مشروط کردن تعالی معنوی شخص، به حضور و ارتقای رتبه او در سلسله خانقاهی و طریقتی است. نتیجه این رویکرد، انتصاب چشم‌گیر جوانان مخلص، ولی با تجربه‌ای بسیار ناچیز، به سمت‌های مهمی چون «رهبر» و «وکیل» است.

گروه دوم را جماعاتی تشکیل می‌دهند که نماینده هیچ‌یک از طریقت‌های تعریف‌شده دراویش نیستند، بلکه اندیشه‌ها و اعمال خود را منتسب به فردی می‌دانند که او را مؤسس جمعیت خود معرفی نموده و به نحوی به یکی از سلسله‌های طریقت نقشبندیّه پیوند می‌دهند. در این‌جا، می‌توان به صورت خاص به جمعیت «خدمت» در بوسنی اشاره کرد که خود را میراث‌دار آقای فتح الله گولن می‌دانند. فعالیت این جماعت‌ها نیز به سان گروه سابق، در وهله نخست، اخلاقی، تعلیمی، تربیتی و خیریه است. فعالیت این جماعات در عرصه‌های آموزشی بسیار چشم‌گیر است؛ از جمله آن‌ها مؤسسات و نهادهای آموزشی بسیاری تأسیس کرده‌اند و از جوانان علاقه‌مند در دوره‌های مختلف آموزشی حمایت می‌کنند. این رویکرد بی‌شک یکی از دلایل اصلی محبوبیت و مقبولیت آن‌ها در مجامع و محافل دانشگاهی بوسنی و هرزگوین است. اما گروه سوم را جماعاتی تشکیل می‌دهند که با پیشینه سنتی خود در بوسنی و هرزگوین فعال‌اند. برخی از اعضای این گروه زاویه‌نشینی تام را اختیار کرده و از جامعه دوری گزیده‌اند؛ در حالی که برخی دیگر سعی می‌کنند تا با شیوه‌هایی که منجر به انتقاد از آن‌ها نشود با جماعت‌های گروه اول و دوم ارتباط برقرار کنند و از این طریق به حفظ جمعیتی که بدان تعلق دارند یاری رسانند.^{۸۴}

۱. همان، ۱۹۴-۱۹۸؛ نیز نک: جامعیچ، همان، ۱۱۳/۴-۱۰؛ Malcolm, ibid, p.144.

کتابشناسی

- اولیا چلبی، سیاحت نامه، استانبول، ۱۳۱۵هـ.
- اویچ، فؤاد حاجی محمد، «بوسنی: تصوف»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم بجنوردی، تهران، ۱۳۸۳ش.
- بخاری، صلاح بن مبارک، انیس الطالبین و عدة السالکین، به کوشش خلیل ابراهیم صاری اوغلی و توفیق هاشم سبحانی، تهران، ۱۳۷۱ش.
- بگروویچ، سامیر، چالش‌های سنت نقشبندی، سالنامه تکویم، ساریوو، ۲۰۱۴م.
- ثبوت، اکبر، «بهاءالدین نقشبند»، دانشنامه جهان اسلام، تهران.
- جامیچ، نهاد، «بوسنی و هرزگوین»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم بجنوردی، تهران، ۱۳۸۳ش.
- جامی، عبدالرحمان، نفحات الانس، به کوشش محمود عابدی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۰ش.
- چرخ، خواجه یعقوب، رساله انسیه، به کوشش محمد نذیر رانجه، لاهور، ۱۳۶۲ش.
- خواجه محمد پارسا، قدسیه، مقدمه احمد طاهری عراقی، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۵۴ش.
- داراشکوه، محمد، سفینه الاولیاء، کانپور، ۱۳۱۸هـ.
- دیزداریچ، سداد، تأثیر مثنوی مولوی و طریقت مولویه بر فرهنگ و ادبیات بوسنی (پایان نامه دکتری)، ۱۳۹۰ش.
- زرین کوب، عبدالحسین، دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ش.
- شمس، محمدجواد، یعقوب چرخ، احوال و آثار، تاجیکستان، ۱۳۸۷ش.
- صاری اوغلی، خلیل ابراهیم، مقدمه انیس الطالبین و عدة السالکین، تهران، ۱۳۷۱ش.
- طاهری عراقی، مقدمه قدسیه خواجه محمد پارسا، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۵۴ش.
- فاین، ج.و.ا. «ریشه‌های تاریخی جامعه بوسنی مدرن در دوره عثمانی و قرون وسطی»، مسلمانان بوسنی - هرزگوین، به کوشش مارک پنسون، ترجمه مهوش غلامی، تهران، ۱۳۷۴ش.
- گراس، جو آن، «موقوفات خواجه عبیدالله احرار در آسیای مرکزی در قرن نوزدهم»، نقشبندی، به کوشش الیزابت اوزدالگا، ترجمه فهیمه ابراهیمی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۸۹ش.
- واعظ کاشفی، علی بن حسین، رشحات عین الحیات، به کوشش علی اصغر معینیان، تهران، ۱۳۵۶ش.

E.F., *Domaći pisci tesavufskih radova*, Šebi arus; Sarajevo, 1986.

Čehajić, Džemal, *Derviški redovi u Jugoslovenskim zemljama sa posebnim osvrtom na Bosnu I Hercegovinu*, Orientalni institut u Sarajevu, Sarajevo, 1986.

- Dobrača, Kasim, "Tuhfetul-Musallin ve zubdetul-haši" in *od Abdulvehaba Žepčevije Ilhamije*, Anali GHB biblioteke, knjiga II-III, Sarajevo, 1974.
- Hadžibajrić, Fejzullah, *Tesawwuf, tarikat I tekije; Islamska misao*, br. 6; godina I; maj/džumadel-uhra 1979/1399 h.g.
- Bevrnja, Adnan, *Nakšibendije*, biblioteka Sufi, Sarajevo 1990.
- Husejnović, Alosman, *Otvorena tekija u Tuzli*, Hikmet; period VII, br. 6 (78), Tuzla 1994.
- Hadžimehanović, Refik, *Mesdžidi i džmije u G. Tuzli*, Glasnik VIS; br.5-6; Sarajevo 1981.
- Malcolm, N., *Bosnia: A Short History*, London, 1994.
- Pajević, Izet-Zikri, *Bosna I Tesawwuf*, Hikmet, Period VIII, br. 8 (92); Tuzla, 1995.
- Evlija Čelebi, *Putopis, prevod, uvod i komentar Hazim Šabanović*, Sarajevo, 1967.
- Ašik, *Nakšibendije u Sarajevu*, Preporod, god.XXII, br.7/494, Sarajevo 1991.
- Zlatar, Behija, *Tekije u Sarajevu u XVI i XVII stoljeju*, Beharistan; dvobroj 3/4; Sarajevo 2001.
- Šabanović Hazim, *Teritorijalno širenje I građevni razvoj Sarajeva u XVI stoljeću*, knj. XVI; Odjeljenje istorijsko-filoloških nauka, knj. 9, Sarajevo.
- Šukrić, Nijaz, *Mjesto i uticaj tesawufa na razvoj islamske kulture u nas, Tesawwuf-islamska mistika; Zbornik radova prvog simpozija* 1988. godine, Zagrebačka džamija, Zagreb, 1989.
- Hadžibajrić, Fejzullah, *Djelatnost tarikatskog centra u Sarajevu*, Šebi-arus, br 12., Sarajevo 1990.
- Ilić, Slobodan, *Hamzevijska i hurufijska jeres u Bosni kao reakcija na političku krizu osmanske imperije u drugoj polovini 16 vijeka*, POF; Sarajevo 1991.
- Edin Urjan Kukavica, *Islam na Balkanu, KDBH* Preporod, Zagreb, 2012.
- Halilagić, Sead, *Merhum hadži Šejh Abdullah-ef. Fočak*, Preporod, god.XXII, br.7/494, Sarajevo 1991.
- Cvitković, Ivan, *Religije u BiH*, Tuzla 1981.